



تاملی در باب تاریخ مکه

شهر مکه، مهم‌ترین شهر برای مسلمانان است، چراکه هر مسلمان موظف است حداقل یک‌بار در عمر خود - در صورت داشتن توان - به مکه سفر کند...

گفت‌وگو با مدرس دانشگاه، پژوهشگر و تاریخ‌نگار

تاملی در باب تاریخ مکه

شهر مکه، مهم‌ترین شهر برای مسلمانان است، چراکه هر مسلمان موظف است حداقل یک‌بار در عمر خود - در صورت داشتن توان - به مکه سفر کند، اما این شهر، جدای از اهمیت آن برای مسلمین، دارای قدمتی تاریخی است، به نحوی که حتی پیش از اسلام نیز شاهد وقوع حوادث بسیار مهمی در تاریخ ادیان بوده است.

در باب تاریخ مکه و تاریخ نگاری مکه با دکتر امیر نعمتی لیمایی پژوهشگر تاریخ و نویسنده کتب و مقالات متعدد تاریخی، ازجمله تاملی بر تاریخ نگاشته های #171؛ آن کاترین لمبتون؛ قدرت در اندیشه ماکیاولی، نهضت های علوی و شیعی در روزگار خلافت امویان و عباسیان و... مصاحبه ای انجام دادیم که هم اکنون می خوانید.

به باور شما چرا تاکنون کتابی جامع و برخوردار از روح علمی درباره تاریخ مکه نوشته نشده است؟

درباره چرایی انجام نشدن این کار دلایل متعددی می توان برشمرد. اما به گمان من عمده ترین علتش آن است که هرکسی بخواهد درباره تاریخ مکه کاری واقعا علمی انجامد، خود را ناگزیر از مطالعه انبوهی از داده ها و اطلاعات تاریخی، ادبی، تفسیری، مذهبی، عرفانی، جغرافیایی، اسطوره ای و غیره می بیند که در طول 1400 سال تاریخ اسلام تولید شده است. به عبارت دیگر عرصه تحقیق درباره تاریخ مکه چنان گسترده است که زمانی برابر با سالیان و شاید دهه های متمادی برای مورخ لازم است تا فقط بتواند به گردآوری داده های خام بپردازد. حال پردازش و تجزیه و تحلیل آنها بماند که چقدر وقت نیاز دارد. در واقع، به این سبب کمتر پژوهشگری در خود یارای کشیدن کباده سنگین و سترگ این کار را دیده است. من اعتقاد دارم انجام درست این عمل نیاز به یک عزم جمعی دارد و بهترین روش و پربهره ترین شیوه آن است که گروهی متشکل از چند پژوهشگر برجسته، هریک گوشه ای از انجام کار را به عهده گیرند.

آیا در بین کتب موجود درباره تاریخ کعبه، کتابی را قابل توصیه می دانید؟

احمد السباعی، نویسنده عربستانی کتابی دارد درباره تاریخ مکه از آغاز تا پایان دولت شرفای مکه. کتاب السباعی کاملا علمی، جامع و کامل نیست، اما در مقام مقایسه با دیگر آثار دارای ویژگی هایی است که آن را تا حد زیادی متمایز جلوه می دهد.

ازجمله شاخصه های ممیزه کتاب وی می توان به چند مورد اشاره کرد: اول آن که کتاب او تاریخ صرف نیست، بلکه بر ابعاد سیاسی، تمدنی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی نیز ناظر است. دوم، محدوده زمانی کتاب که تاریخ مکه را از آغاز تا چندی پیش یعنی پایان کار شرفا و ورود وهابیون به مکه را در برمی گیرد.

سوم، رعایت بی طرفی نسبی و به کار نبردن تعصبات کورکورانه مذهبی از سوی نویسنده که با روح فلسفه نوین تاریخ همخوان است. چهارم، گریز مولف کتاب از افراط و تفریط نابجا در تبیین تاریخ، برخلاف آنچه در کلام وهابیون دیده می شود.

پنجم، نگاه نقادانه، نگرش تحلیلی و دید اجتماعی و چه بسا جامعه شناسانه نویسنده که اوج آن را در انتقاد های السباعی از برخوردهای نادرست صورت گرفته با شیعیان می توان دید.

البته کتاب السباعی کاستی هایی هم دارد که شاید بزرگ ترین آن شمار اندک منابع مورد استفاده و تعداد کم مآخذ مورد استناد وی باشد. پیشتر بیان نمودم کسی که سودای نگارش تاریخی جامع برای مکه به سر داشته باشد خود را با انبوهی از منابع روبه رو می بیند.

میزان آگاهی های مستند و علمی از تاریخ مکه تا چه اندازه است؟ آیا تاریخ مکه امروزه کاملا برای تاریخ پژوهان مکشوف است یا آن که برعکس سرشار از نکته های نامکشوف است؟

درباره تاریخ مکه هر چه از روزگاران کهن به دوران معاصر نزدیک شویم از میزان ناشناخته ها کاسته و بر اطلاعات متقن افزوده می

شود. این مهم از یک سو به دلیل کثرت منابع در دوران اسلامی است و از دیگر سو به جهت فزونی اهمیت مکه در دوران اسلامی. برای تبیین بهتر موضوع، مثالی می آورم.

پژوهشگران هنوز حتی از تاریخ ساخت خانه کعبه بی خبرند. در حقیقت، دست تاریخ نگاران برای تعیین این مهم خالی از هرگونه سند تاریخی است و ناگزیر رو به سوی اندیشمندان علوم دینی می کنند. اما شگفت آنجاست که آرای عالمان دینی نیز در این باره دوگانگی دارد. شماری از آنها بر پایه شواهدی چون تفاسیر قرآنی و روایات و احادیث پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) کعبه را بنایی ساخته شده توسط حضرت ابراهیم(ع) می پندارند. گروهی نیز براساس همان شواهد، اما با تعبیر و تفاسیری دیگر، بنای کعبه را مربوط به دوران پیش از حضرت ابراهیم(ع) و حتی روزگار حضرت آدم(ع) می دانند و حتی گهگاه مراحل چندگانه ای هم برای بنا و مرمت کعبه چون بنیان های آدم(ع)، شیت(ع)، ابراهیم(ع)، عمالقه، قریش و... برمی شمارند و حضرت ابراهیم(ع) را نه بناساز، بلکه نوساز و مرمت کننده آن می نامند. البته، گفتنی است پیروان نظریه دوم همواره افزون تر بوده اند. در این زمینه باز می توان مواردی را شاهد آورد.

آیا افزایش اهمیت مکه را ظهور اسلام در آن شهر و حکم واجب بودن حج سبب شد یا موارد دیگری را هم در این مهم می توان دخیل دانست؟

عمده ترین دلیل در فزونی اهمیت مکه بلاشک همان مواردی است که اشاره فرمودید، اما دلایل دیگری را نیز می توان به آن افزود. مثلاً، اهمیت مکه در منازعات سیاسی. برابر با تاریخ، در دوران پس از رحلت پیامبر اکرم(ص) و با ظهور خلافت های اموی و عباسی، کعبه جدا از اهمیت مذهبی، واجد اهمیت سیاسی فزاینده هم شد، زیرا هر آن کس که دعوی خلافت می کرد، یکی از راه های مشروعیت بخشیدن به حکومت خود را تسلط بر مکه و در اختیار گرفتن خانه خدا می دید. متأسفانه از این رهگذر حوادث غم انگیزی هم رخ داد.

می توانید نمونه هایی از این رخدادهای غم انگیز را بیان کنید؟

جریان محاصره مکه در سال 64 هجری توسط سپاهیان خلیفه اموی، یزید بن معاویه، یکی از این رویدادهای تلخ است.

نمونه دیگر، تکرار همین ماجرا البته با شدتی شاید بیشتر در روزگار خلافت دیگر خلیفه اموی، عبدالملک بن مروان است. در سال 72 هجری، حجاج بن یوسف ثقفی که از سوی خلیفه، حکومت عراق را در اختیار داشت، با هجوم به حجاز درصدد آن شد تا پایان کار پسر زبیر را رقم زند. وی بنا به روایتی به هتک حرمت مرقد مطهر پیامبر پرداخت و مکه را منجنیق باران کرد. براساس گزارشی بر اثر این باران سنگ، حجرالاسود شکست و چهارتکه شد.

اما دردناک تر از همه، جریان هجوم قرمطیان به مکه است. قرمطیان در سال 317 هجری بر مکه حمله کردند و بسیاری از حجاج و ساکنان مکه را کشتند و اهانتی بی سابقه به مسجدالحرام روا داشتند.

آیا مکه پس از خاتمه فتنه قرمطیان باز شاهد فجایعی از این دست بوده است؟

واکاوی منابع تاریخی نشان می دهد در پی فروکش نمودن آتش فتنه قرمطیان، کمتر موقعیتی پیش آمده که مکه، فجایعی بسان آنچه گفته آمد را شاهد باشد. البته برخی شواهد وجود دارد که نشان می دهد کعبه گهگاه عطف توجه سیاستمداران را سبب شده یا دستاویز اهداف سیاست ورزان قرار گرفته است.

به عنوان نمونه، در برخی کتاب های تاریخی چون تاریخ وصاف آمده که سعدالدوله یهودی، وزیر ارغون خان مغول در اندیشه تخریب کعبه و حتی تبدیل آن به بتخانه بود، اما فرصت نیافت چنین کند، زیرا بزرگان ایران او را به دلیل دشمنی هایش با اسلام و مسلمانان کشتند. مورد دیگری که می توان شاهد آورد مربوط به عثمانیان است.

البته ترکان عثمانی پس از آن که یارای آن یافتند گستره قلمرو خویش را به حجاز برسانند، هیچ گونه اهانتی به اماکن مقدسه آن روا نداشتند، بلکه آن را بیش از پیش محترم شمردند، اما تسلط بر حرمین شریفین سبب شد خود را مدعی خلافت بر تمام سرزمین های اسلامی بدانند. درحقیقت، تنها پس از فرا رسیدن روزگار معاصر بود که کعبه دگر بار هتاکي ها و فجایعی چند به خود دید. از آن جمله می توان به کشتار زائران ایرانی حرم امن الهی در روز نهم مرداد 66 اشاره نمود.